

**ایران و آینده خاورمیانه**  
**سخنرانی شاهزاده رضا پهلوی در دانشگاه جرج تاون**  
**30 ژانویه 2008**

خانمها - آقایان،

از تجدید دیدار در دانشگاه جرج تاون بسیار خوشوقتم و خوشحالم که بار دیگر فرصتی فراهم آمد تا مسایل مهمی را که بی تردید در این زمان آشفته، به همه ما مربوط میشود، با شما در میان بگذارم.

ادامه حمایت رژیم مذهبی ایران از تروریسم، رفتار خصمانه در منطقه و ماورای آن، عدم شفافیت در برنامه اتمی، ادامه سرکوب شهروندان و انبوهی از مسایل دیگر، به درستی جهان را به این نتیجه رسانده است که چنین رژیمی نمی تواند قابل اعتماد باشد. ولی در حالیکه مردم ایران همچنان در رنج و عذاب بسر می برند، دنیا در تفکر است که این مسائل در نهایت به کجا منتهی خواهد شد؟ گرچه مسائل قابل طرح در این زمینه ها بسیار می باشند، با توجه به زمان اندک، امشب توجهم را بر روی مسایل اخیری متمرکز نموده ام که جامعه جهانی را به خود مشغول کرده است.

اجازه دهید در آغاز به این نکته اشاره کنم که علیرغم مهلت کوتاهی که به علت شرایط ناشی از انتشار گزارش «برآورد اطلاعات ملی آمریکا» (NIE) در دسامبر گذشته فراهم آمد، کشور من ایران، توانست یکبار دیگر، به دلایل نادرست، جایگاه ممتازی را در تیترویدادهای جهانی در رسانه های گوناگون به خود اختصاص دهد. حتی وضع وخیم و بحرانی پاکستان، بدنبال ترور دوستم خانم بی نظیر بوتو نخست وزیر پیشین آنکشور و یا انتخابات پرهرج و مرج کنیا و پیامدهای خشونت بار آن، همینطور تداوم بحران در عراق و خاورمیانه، نتوانست نام ایران و حاکمان ستیزه جوی آن را از صفحات نخست روزنامه ها بزدايد. همزمان با اوج گیری انتخابات مقدماتی «ریاست جمهوری» در آمریکا که مردم را بطور فزاینده ای درگیرت انتخاباتی نموده است، از ایرانیان نیز خواسته شده است که در چهاردهم مارس (24 اسفند) برای «گزینش مجلس جدید»، به حوزه های رای گیری بروند. جالب اینجاست که اکثر رسانه های جهانی علیرغم تاکیدات مکرری که همواره بر انتخابات آزاد و عادلانه پارلمانی در پاکستان و یا میزان تخلفات و بی نظمی ها در انتخابات بحث انگیز ریاست جمهوری کنیا در ماه گذشته، داشته و دارند، چون رژیم حاکم بر ایران توانسته است، تیترویدادهای بیشتر مطبوعات جهان را به دلایل کاملا متفاوتی بخود اختصاص دهد، تلاش آنها برای تشریح دقیق واقعیات مربوط به نمایش فریبکارانه و «سیرک» مانندی که ملایان حاکم قصد

دارند تحت لوای «انتخابات آزاد» به مردم ایران و جهان تحمیل نمایند، بسیار ناچیز و اندک بوده است.

درحالی که افزون بر هفت هزار کاندیدا برای بدست آوردن 290 کرسی در مجلس شورای اسلامی ثبت نام کرده اند، تاکنون «دو-سوم» آنها به دلایل گوناگون ولی بیشتر بخاطر شک و تردید نسبت به میزان «التزام» و وابستگی آنان به قانون اساسی استبدادی جمهوری اسلامی، سلب صلاحیت شده اند. مع الوصف، هیچ کوششی از سوی رسانه های جهان برای فشار بر حاکمان مستبد ایران که آنها نیز باید از همان روشی که بطور مثال از پرزیدنت مشرف در پاکستان خواسته شده است تبعیت نمایند، تا این تاریخ صورت نگرفته است. بدتر از این، آن که رسانه های جهانی آنقدر مشتاق راه یافتن به ایران به منظور تامین وسوسه هائی چون انجام مصاحبه با یکی از اعضای جنجال برانگیز رژیم، پیرامون مسایل ستیزه گرانه ای، مانند «محو اسرائیل از روی زمین» و یا بیانات مهمل دیگری از این قبیل، می باشند که به هیچ وجه توجهی به این واقعیت ندارند که خود را در دام فریبی گسترده شده توسط خود ملایان قرار میدهند که فقط کمک می کند تا رژیم بتواند با الغای این تصویر کاذب که انتخابات فرمایشی شان، به سبک انتخاباتی است که در روسیه شوروی سابق برگزار می شد و آزاد و عادلانه است و دارای این قابلیت می باشد که زندگی اکثریت مردم ایران را تغییردهد!

بگذارید خیلی روشن بگویم: انتخابات در ایران، چیزی جز یک ریاکاری نیست و مردم ایران - چه آنهایی که به دلایل گوناگون مجبور به شرکت در آن می باشند، و یا آنهایی که با تحمل فشارهای سخت، آنها را تحریم می کنند - به خوبی آگاهند که صرف نظر از اینکه چه کسی به مجلس راه می یابد، بعید است که صادقانه و شرافتمندانه، اراده، خواسته ها و آرمانهای آنها را برای ایران، بازتاب دهد. از اینرو مجلس آینده نیز، به مانند گذشته، چون مهره ای در دست «رهبر جمهوری اسلامی» خواهد بود.

حال اجازه بدهید به موضوع دیگری پردازم که امروز در صدر تفکرات هردانشجوی مسائل ایران قرار دارد و آن تاثیر گزارش «برآورد اطلاعات ملی آمریکا» بویژه در میان جامعه ایرانیان می باشد. از دیدگاه من، مهمترین ویژگی مثبت این گزارش، این واقعیت بود که در جدال جاری میان جامعه بین المللی و جمهوری اسلامی، با توجه به مسائل فاش شده و دیگر جاه طلبی های جمهوری اسلامی، بدترین گزینه - به عبارتی گزینه وحشتناک جنگ که من همواره علیه آن سخن گفته ام، اینک در جایگاه صحیح و منطقی خود قرار گرفته است. در هفته های پیش از انتشار گزارش «برآورد اطلاعات ملی آمریکا»، علیرغم این واقعیت که مشخص بود، تلاش های دیپلماتیک بر رژیم مذهبی جهت پذیرش خواسته های شورای امنیت و آژانس بین المللی انرژی اتمی در ارتباط با برنامه غنی سازی اورانیوم بطور کامل طی نشده، با این حال، هیجانات تبلیغاتی در رسانه ها

چنان بود که موجب این باور گردید، «گزینه نظامی ممکن است خیلی زودتر از تصور همگان»، بکار گرفته شود.

در نتیجه انتشار گزارش «برآورد اطلاعات ملی آمریکا»، تردیدی نیست که یکباردیگر، کانون توجه به عرصه مذاکره و تلاش های دیپلماتیک به منظور حل این مشکل معطوف شده است. گرچه، ایالات متحده اعلام نموده، حق انتخاب گزینه نظامی را کماکان برای خود محفوظ نگاه داشته است، فضای متین تری اکنون مهیا شده که مانع از آن خواهد شد، تا امور از کنترل خارج شوند. گرچه پیامد این رویدادها، منبع آرامشی برای من و بسیاری از ایرانیانی بوده است که نگران از احتمال بروز یک جنگ فاجعه بار بوده ایم، ولی در عین حال تردیدی نیست که این مسائل باعث تضعیف روحیه در میان شهروندان عادی که برای رسیدن به دموکراسی و حقوق بشر در تقلا می باشند و به پشتیبانی معنوی جهان چشم دوخته اند، منتج گردیده است. زیرا این شایعه مطرح گردیده است که آمریکا و متحدانش در برابر فشارهای رژیم اسلامی، در مناطقی چون لبنان، فلسطین، عراق و افغانستان، جا زده و عقب نشینی کرده اند. تبلیغات منحرف کننده پیرامون این گزارش در رسانه های بین المللی و شیوه عملکرد ماشین های تبلیغاتی رژیم نیز، از سوی دیگر، باعث گردیدند تا حکومت اسلامی این گزارش را در اثبات بیگناهی خود و پیروزی بر «شیطان بزرگ» و پایوران اروپایی آن قلمداد نماید. در این راستا، میزان عدم درک صحیح و ارائه عمدی تفسیرهای نادرست در مورد محتوا و معنای واقعی این گزارش تا آن حد رسید که مقام های کلیدی رژیم مذهبی باورمند به تبلیغات خود، عملاً خواستار آن شدند که جمهوری اسلامی از تمامی سوء ظن ها و بدگمانی ها مبرا اعلام شود و پرونده اتمی ایران در شورای امنیت متوقف گردد و به آژانس بین المللی انرژی اتمی عودت داده شود.

این واقعیتی شد که در نتیجه انتشار گزارش «برآورد اطلاعات ملی آمریکا»، جمهوری اسلامی بتواند تا در بازی «موش و گربه» خود که در چندین سال اخیر با استادی، جامعه جهانی را درگیر کرده، زمان بیشتری بخرد. ولی در عین حال، بدیهی است که آنها نمی توانند بیش از یک مدت زمان محدود، از تعبیر غلط و غیر واقعی گزارش مزبور بهره مند شوند. خوشبختانه، در حال حاضر، مفاهیم گزارش «برآورد اطلاعات ملی آمریکا»، را می توان تا آنجا که به رژیم ایران مربوط می شود و نه آنطور که بعضی ها احتمالاً به دلایل مسائل سیاست داخلی در آمریکا، بخواهند تفسیر نمایند، با دید روشن تری ارزیابی نمود. زیرا برآورد گزارش براین واقعیت مهر تایید می زند که رهبران مذهبی، با پنهانکاری، جهان را در قبال برنامه های خود برای تولید و کسب سلاح های هسته ای، فریب داده اند. چون براساس این گزارش، رژیم اسلامی تا سال 2003 برنامه های تولید سلاح های هسته ای را به مفهوم طراحی و فعالیت تسلیحاتی متوقف نکرده بود. بقیه گزارش، در حالی که اظهار نظرهایی را با «درجات مختلف اطمینان» ابراز می دارد، کاملاً فاقد این نکات مهم است که دلایل اصلی گرفتاری های رژیم ایران با شورای امنیت سازمان ملل، کمتر به

امور تسلیحاتی پنهان آن مربوط بوده، بلکه در ارتباط با ابهام و کوتاهی اش در همکاری شفاف با آژانس بین المللی انرژی اتمی از یک سو، و شتاب در تداوم تولید و تکمیل موشک های دوربرد، از طرفی دیگر بوده است.

روشن تر بگویم، هرگز در این اصل تردیدی وجود ندارد، «تا هنگامی که مقامات ایرانی دقیقاً به مسایلی که از آنها خواسته شده نپردازند، چیزی حل نخواهد شد». بنابراین جای شگفتی نیست که پس از تاخیری 30 روزه، یا قدری بیشتر، گروه 1+5 یکباردیگر به انتشار پیش نویسی پرداخته اند که اساس سومین قطعنامه تنبیهی شورای امنیت علیه ایران خواهد بود.

درداخل ایران، هفته های گذشته، ایامی پر از نگرانی و تشویش بوده است. اگرچه نگرانی از بابت دورنمای یک درگیری نظامی کاهش یافته، با اینحال تردید عمیقی در باره این وضعیت احساس می شود که آمریکا و جامعه جهانی، ممکن است درقبال توقف تحریکات رژیم در مکان هایی چون عراق و افغانستان، آرمان توسعه دموکراسی و حقوق بشر را به کنار بگذارند. بی شک چنین اقدامی، از یک طرف باعث سردی و تضعیف روحیه در میان آزادی خواهان و جنبش های دموکراتیک در سراسر جهان خواهد شد و همچنین به نحو دهشتناکی، پیروزی را به آدمکشان و تروریست ها در سراسر خاورمیانه، تقدیم خواهد نمود.

به باور من، تلاش وفشاری که اخیراً در سیاست خاورمیانه ای آمریکا متمرکز گردیده و برحل کشمکش طولانی اسرائیل و فلسطینی ها متمرکز شده است، تحولی مثبت است که امیدوارم در دولت آینده آمریکا نیز ادامه یابد و حفظ شود. بدون تردید، حل این اختلاف 60 ساله، بطور کلی اساس و زمینه ثبات و اعتدال را در منطقه خاورمیانه تشکیل خواهد داد. مع الوصف، تردیدی نداشته باشید که مستبدان مذهبی در تهران، برنامه هایی برای خود تدارک دیده اند که با دیدگاه و تصورات مردمان منطقه و جهان از طریق حل این مشکل با ایجاد دو کشور (اسرائیل و فلسطین) سازگار نیست. رژیم مذهبی، مطمئناً توسط عوامل و متحدان خود در سوریه، لبنان و فلسطین، خواهد کوشید که با استفاده از تمام امکانات، پیشرفت چنین حرکتی را مسدود و منحرف سازد، تا این ابتکار هرگز جامعه عمل نپوشد.

من معتقدم که بخشی از اظهارات پرزیدنت بوش در مورد ایران، در سفر اخیرش به خاورمیانه، بیانگر درک دولت او از این واقعیت می باشد. البته این به اضطراب عمومی در مورد جاه طلبی های آشکار و درازمدت رژیم مذهبی در منطقه و تهدید به کشورهای عربی خلیج فارس دامن می زند و رژیم را به عنوان حکومتی مشکل آفرین قلمداد می سازد، صرف نظر از اینکه چه کسی زمام امور را در دولت بعدی آمریکا برعهده می گیرد.

در پایان باید به این واقعیت روشن اشاره کنم که طی سه دهه گذشته، از هنگام روی کار آمدن آیت الله خمینی و استقرار نخستین رژیم مذهبی در عصر نوین، ما شاهد ایجاد یک روند بی سابقه و رو به افزایش از خشونت های افراط گرائی مذهبی، جنگ و کشمکش بوده ایم. یک نگاه گذرا به تحولات منطقه در این مدت، یعنی در سرزمین هایی چون افغانستان، پاکستان، عراق، کویت، لبنان و اسرائیل، آشکارا بیانگر نکته ای است که عنوان نموده ام. عدم اطمینان به آینده، همراه با هراس دائمی از خشونت و بی ثباتی، مردم خاورمیانه را از ایجاد فضایی صلح آمیز و سودمند که بتواند تمام توانائی های بالقوه آنان را بکار گیرد، بازداشته است. پرسشی که توجه همگان را طلب می کند، این است که چه می شود کرد، تا از تکرار روند مشابهی برای 30 سال آینده جلوگیری نمود و یا چگونه میشود که در بهترین صورت، به چنین شرایطی پایان بخشید؟ از این دیدگاه، گزینه ها کاملاً روشن و آشکارند. بسیار ضروری است که نیروهای معتدل، اهل مدارا و روشننگر، در منزهی ساختن و خنثی کردن نیروهای سیاهی و تباهی که هیچگونه رحم و ندامتی در توسل به ترورهای انبوه، برای پیشبرد هدف های نفرت انگیز خود ندارند، موفق شوند. در این «نبرد سراسری میان طرز تفکر هاست» که پشتیبانی محکم و تزلزل ناپذیر جهان غرب و ارزش های لیبرال-دموکرات، را برای تعیین برآیند نهایی، ضروری و واجب می نماید.

من باور راسخ دارم که مردم ایران، نقش عظیمی را در این نبرد بزرگ بر عهده خواهند داشت. به عنوان یک ملت، ما بطور مستقیم و بردبارانه، پیامدهای یک حکومت ناشایست، فاسد و ستمگر را تجربه کرده ایم که در برآوردن نیازمندی های روزانه مردمش درمانده است، مردمی که تشنه ایفای نقش به حق خود، با توجه به شرایط و توقعات در قرن بیست و یکم هستند. من تردیدی ندارم که با استقرار یک دموکراسی سکولار در ایران، امری که همساز و همخوان با آرزوهای اکثریت ایرانیان است و با پایان گرفتن حمایت های رژیم از تروریسم، منطقه شانس خود را برای آغازی نو، به دست خواهد آورد. یک ایران دموکراتیک، طلیعه عصر نوینی خواهد بود که می تواند در طی یک نسل، چهره خاورمیانه و ماورای آن را به نحو مثبتی، دگرگون نماید.

لذا اجازه دهید با این عبارت سخنانم را پایان دهم: امروز هم میهنان من در نبرد برای آزادی و حقوق بشر، نیازمند به پشتیبانی معنوی شما می باشند. برای ما ضروری است، اطمینان داشته باشیم که جهان آزاد، هرگز از مسیر اصول عالیّه خود منحرف نخواهد شد.

به ما یاری کنید تا ما نیز در پیکار بزرگی که باید در آن پیروز شویم، شما را یاری رسانیم و بتوانیم در پیاده کردن، آن چشم انداز مثبت و مشترکمان موفق شویم و به تنش ها، خشونت ها و بی ثباتی ها پایان دهیم و صلح و تفاهم و آرامش را در خاورمیانه ترویج نماییم. ❧